

# راهنمای روزنامه‌نگاران در گزینش واژه‌ها و تعابیر در خصوص معلولیت



راديو  
زمانه  
radio zamaneh

[contact@radiozamaneh.com](mailto:contact@radiozamaneh.com)

[www.radiozamaneh.com](http://www.radiozamaneh.com)

# راهنمای روزنامه‌نگاران در گزینش واژه‌ها و تعابیر در خصوص معلولیت

الهام یوسفیان

تیر ۱۴۰۳

**راديو زمانه**  
radio zamaneh

۱	مقدمه
۲	اصول بنیادین راهنما در چگونگی گزینش واژگان و عبارات در زمینه معلولیت
۶	انتخاب تعابیر و واژه‌های مناسب برای اشاره به معلولیت
۱۱	انتخاب تعابیر و واژه‌های مناسب برای اشاره به گروه‌های مختلف افراد دارای معلولیت
۲۴	انتخاب تعابیر و واژه‌های مناسب برای اشاره به خدمات مربوط به افراد دارای معلولیت

## مقدمه

در سال‌های اخیر، تلاش‌ها جهت ارتقای آگاهی عمومی در خصوص حقوق انسانی و قابلیت‌های افراد دارای معلولیت در جامعه ایران افزایش یافته است. افراد دارای معلولیت، در قالب تشکل‌ها، پوشش‌های اجتماعی، و نیز به طور فردی از طریق شبکه‌های اجتماعی از موانع متعدد محیطی و رویکردهای معلول‌ستیزانه یا معلول‌هراسانه سخن می‌گویند، و خواستار اقدامات فوری و ملموس در جهت رفع تبعیض و انزوای جامعه دارای معلولیت در ایران هستند.

در این میان، رسانه‌های فارسی‌زبان با آن که در پوشش کارزارهای معلولان کوشا بوده‌اند، همچنان می‌توانند فضاهای بیشتری را در رابطه با پوشش سیاست‌های مربوط به معلولیت و نگاه‌های انتقادی و عمیق‌تر به مسائل پیش‌روی افراد دارای معلولیت در ایران باز کنند و تنها در محدوده خبررسانی باقی نمانند. یکی از لوازم کلیدی برای بهبود کمیت و کیفیت پرداختن رسانه‌های فارسی‌زبان به موضوعات و تجربیات مربوط به معلولیت، انتخاب واژگان صحیح و مناسب است. در زبان فارسی، به مانند اغلب زبان‌های دیگر، واژه‌های نامناسب تقلیل‌دهنده و گاهی توهین‌آمیز برای اشاره به معلولیت رواج دارد که اهمیت حساسیت در انتخاب واژه را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

در جهت ارتقاء کمی و کیفی مطالب مربوط به حوزه معلولیت، رادیو زمانه با مشورت کارشناسان این عرصه، کتابچه راهنمای پیش رو را تهیه کرده است. هدف نهایی از تدوین جزوه در دست شما این است که روزنامه‌نگاران و نویسندگان با حساسیت بیشتری مسائل مربوط به افراد دارای معلولیت را دنبال کنند و همچنین با پرداختن اجمالی به اصول بنیادی، رویکردهای مختلف و واژه‌های تا کنون پذیرفته‌شده، بدون هراس از انتخاب واژه‌های نامناسب و گلایه بعدی مخاطبان دارای معلولیت، بیش از پیش از موضوعات پیش روی افراد دارای معلولیت بنویسند. این روند در بلندمدت به افزایش آگاهی عمومی در مورد معلولیت و کاهش موارد حذف و تبعیض علیه شهروندان دارای معلولیت کمک موثری خواهد کرد.

در این جزوه، ابتدا به پاره‌ای از اصول و قواعد کلی و رویکردهای مختلف به موضوع معلولیت می‌پردازیم که در انتخاب واژه‌های مناسب و پرهیز از واژه‌های نامناسب راهنما خواهند بود. در بخش‌های بعدی، در کنار پرداختن به مفاهیم، توصیه‌های مشخصی در رابطه با سیاست‌های زبانی و انتخاب واژه‌ها برای اشاره به انواع معلولیت‌ها و گروه‌های مختلف افراد دارای معلولیت، ارائه می‌کنیم. در ابتدای هر بخش، جدولی از کلمات مناسب و نامناسب آمده که مفاهیم پیش از هر بخش را خلاصه‌سازی و برای دسترسی آسان‌تر کرده است. پس از هر جدول، دلیل‌های مختصر و روشنی برای پیشنهاد این کلمات خواهید یافت.

منبع اصلی در تهیه این جزوه، راهنمای منتشرشده از سوی مرکز ملی معلولیت و روزنامه‌نگاری وابسته به مدرسه روزنامه‌نگاری والتر کرانکیت، زیر نظر دانشگاه ایالتی آریزونا است. با این حال، واژه‌هایی که در زبان فارسی کاربرد دارند و فاقد معادل انگلیسی بوده‌اند به جزوه افزوده، و برخی واژه‌ها که معادل مشخصی برای آنها در زبان فارسی وجود ندارد در این جزوه به چشم نمی‌خورند. کوشش شده که این جزوه حاوی بیشتر واژه‌های مورد نیاز باشد، اما اگر با واژه‌ای برخورد کردید که در این جزوه راهنمایی در خصوص آن وجود ندارد، پیشنهاد می‌کنیم که به کمک اصول کلی مندرج در فصل نخست این جزوه، واژه مناسب را برگزینید. طبقه‌بندی واژه‌ها به عنوان مناسب یا نامناسب بیشتر از همه تابع نگاه حق‌محور و جریان حاکم بر کنوانسیون جهانی حقوق افراد دارای معلولیت است. قطعاً در صورت نیاز، می‌توان با متخصصان و صاحب‌نظران فارسی‌زبان حقوق معلولیت تماس گرفت، و نظر آنها را جویا شد. همچنین می‌توانید پرسش‌ها یا نظریاتان در این رابطه را با رادیو زمانه از طریق آدرس زیر در میان بگذارید:

[contact@radiozamaneh.com](mailto:contact@radiozamaneh.com)

## اصول بنیادین راهنما در چگونگی گزینش واژگان و عبارات در زمینه معلولیت

در این بخش، مجموعه‌ای از اصول و رهنمودهای کلی بیان می‌شود که می‌تواند راهنمای روزنامه‌نگاران برای نهادینه‌سازی رویکرد حق‌محور و انسانی به مساله معلولیت باشد که بخشی از آنها به زندگی و عملکرد افراد دارای معلولیت مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، در صورت درک و درونی‌کردن این اصول و رهنمودهای کلیدی، نویسندگان به فلسفه واژه‌های پیشنهادی در بخش‌های بعدی جزوه پی خواهند برد. ممکن است نویسندگان با مواردی برخورد کنند که راهنمای روشنی برای آنها در این جزوه یافت نشود یا توضیحات مربوط به آنها به قدر کافی روشن نباشند. در چنین مواردی، مراجعه به اصول بنیادین زیر کمک خواهد کرد تا نویسنده واژه یا عبارت مناسب را بیابد و از بابت حفظ شأن و منزلت انسانی فرد موضوع روایت، آسوده‌خاطر باشد.

### اصل اول: اشاره به معلولیت بنا به اقتضای موضوع (رویکرد حداقلی و بدون اغراق)

یک پرسش کلیدی این است که چه هنگام و در چه شرایطی باید به موضوع معلولیت اشاره کرد و چه میزان باید به این نکته اولویت داد. البته پاسخ به این پرسش در هر مورد، بسته به اولویت‌های رسانه و سردبیران، متفاوت است.

گاهی در رسانه‌های فارسی‌زبان شاهد اشاره‌های اغراق‌آمیز به موضوع معلولیت هستیم؛ به این معنا که اگر موضوع خبر یک فرد دارای معلولیت است، اغلب چه در متن روایت و چه در نحوه تصویربرداری و کارگردانی، این موضوع به شدت برجسته می‌شود، در حالی که ممکن است قضیه معلولیت ارتباط مستقیمی به اصل خبر نداشته باشد.

به عنوان مثال، فرض کنیم که یک مخترع دارای معلولیت در مسابقات اختراعات کشوری رتبه اول را کسب کرده باشد. خبر آن معمولاً طوری تنظیم می‌شود که اطلاعات مربوط به معلولیت و چگونگی آن بیشتر برجسته می‌شود تا اختراع مورد نظر، در حالی که مخترع مورد بحث جایزه را به دلیل معلولیت کسب نکرده است. بهترین شیوه این است که معلولیت فرد بدون اغراق و پنهان‌کاری نشان داده و شاید در حد یکی دو جمله از آن صحبت شود.

از این رو مهم است که سوژه معلولیت در پوشش رسانه‌ای تنها زمانی موضوع باشد که خبر در مورد معلولیت یا در تقاطع با آن است. به عنوان نمونه: اگر موضوع مادری و معلولیت در تقاطع با هم باشد. در این مورد، در صورت لزوم، می‌توان در پوشش محتوایی، پیش‌زمینه معلولیت را بیان کرد و معلولیت فرد را بدون اغراق و بدون پنهان‌کاری پوشش داد.

اگر موضوع معلولیت سوژه نیست، پوشش رسانه‌ای را باید به گونه‌ای تنظیم کرد که تفاوت چندانی با زمانی نداشته باشد که یک فرد بدون معلولیت موضوع خبر بوده است. این نکته هرچند در ظاهر ربطی به انتخاب واژه‌ها و عبارات ندارد، در عمل به پاسخگویی به بسیاری از پرسش‌های مربوط به نحوه اشاره به مساله معلولیت کمک موثری خواهد کرد.

### اصل دوم: نگاه حق‌محور: نفی نگاه ترحمی، خیریه‌ای، پزشکی و نظایر آن و تاثیر آن بر گزینش واژگان

به‌کارگیری زبان حق‌محور به روزنامه‌نگاران کمک می‌کند که موضوع معلولیت را مسئولانه و با در نظر گرفتن کرامت انسانی و استانداردهای حقوقی پوشش بدهند. این روش، درک و پرداختن به موضوع معلولیت را در بلندمدت از نگاه

خبریه‌ای و پزشکی، به سمت وظیفه دولتی و اجتماعی نسبت به معلولان تغییر می‌دهد و به ایجاد فرهنگ و سیاست عادلانه‌تر و پایدارتر برای آنان کمک می‌کند.

در طول تاریخ از شیوه‌های مختلفی برای تحلیل و مواجهه با مساله معلولیت استفاده شده که از آن تحت عنوان «مدل‌های معلولیت» یاد می‌شود. مهمترین مدل‌های معلولیت که برای روزنامه‌نگاران ایرانی شایان توجه است، نگاه تراژیک، نگاه خبریه‌ای، نگاه پزشکی و سرانجام نگاه حق‌محور است. در این جزوه مجال تبیین مفصل همه این مدل‌ها وجود ندارد و علاقه‌مندان می‌توانند به مطالعه بیشتر در این زمینه بپردازند. در زیر به طور خلاصه این مدل‌ها معرفی و نمونه‌هایی از تاثیر آنها بر انتخاب واژه‌ها ذکر می‌شود.

در نگاه تراژیک، معلولیت به صورت فاجعه و رنج تصور می‌شود و این فرض وجود دارد که فرد دارای معلولیت دائمی از این بلا در عذاب است. در نتیجه، اغلب از واژگانی نظیر «قربانی معلولیت بودن»، «از معلولیت رنج بردن» یا «به معلولیت دچار بودن» استفاده می‌شود.

این تصور نه مبتنی بر واقعیت است و نه منطبق با نگاه حق‌محور و برابر به افراد دارای معلولیت. گرچه برخی از گروه‌های افراد دارای معلولیت به دلیل نوع نقص یا آسیب جسمی، با دردهای مزمن مواجه هستند یا گاه‌گاه باید به درمان‌های پزشکی بپردازند، این موضوع شامل بسیاری از افراد دارای معلولیت نمی‌شود. بسیاری از آنها درد خاصی را به دلیل شرایط جسمی و روانی خود تجربه نمی‌کنند و نیاز به درمان پزشکی خاصی بابت آن ندارند. درست است که افراد دارای معلولیت برای انجام امور روزمره و برخورداری از حقوق برابر در جامعه با مشکلات فراوانی مواجهند که اغلب موجب رنج و آزار است، اما ریشه این رنج و آزار در واقع موانع موجود است نه نقص یا اختلال جسمی یا روانی فرد مزبور. به علاوه، محدود کردن مفهوم معلولیت در بیان آن به صورت رنج یا نیاز به درمان، تعامل با معلولان به عنوان شهروندانی با حقوق برابر در یک مدل اجتماعی برای مشارکت کامل در جامعه را دچار بحران می‌کند. زیرا مبتنی بر این باور خواهد بود که فرد دارای معلولیت نمی‌تواند همپای دیگر شهروندان به انجام فعالیت‌های شغلی و اجتماعی بپردازد چرا که دائما با رنج و درد دست به گریبان است. حداکثر تکلیف جامعه این است که با تامین خدمات پزشکی و مراقبتی، تا حد امکان از این درد بکاهد یا تحمل آن را آسان‌تر کند. اظهار نظرهایی مبنی بر تکلیف افراد به سقط جنین دارای معلولیت، یا سرزنش افراد دارای معلولیت به خاطر فرزندآوری مبتنی بر همین نگاه تراژیک است.

در نگاه خبریه‌ای، معلولیت هم‌زمان اسبابی برای گسترش خیر و خوبی و هم‌زمان اسبابی برای ایجاد ترحم و وابستگی به نیکوکاری تلقی می‌شود. از فرد دارای معلولیت به عنوان سمبل استقامت، پاکی یا اراده آهنین استفاده می‌شود. ترکیب‌هایی مانند «فرشتگان زمینی» یا «هدیه‌های آسمانی» از همین نگاه ریشه می‌گیرند. اطلاق واژه «روشندل» به نابینایان نیز در همین دسته جای می‌گیرد و مبتنی بر این پیش‌فرض است که کسی که قدرت بینایی ندارد، دلی روشن‌تر و قلبی آگاه‌تر نسبت به افراد بینا دارد. تاکید اغراق‌آمیز بر لزوم کمک و دست‌گیری مردم از افراد دارای معلولیت به عنوان شکرانه سلامت چه در چهارچوب مذهب و چه در چهارچوب اخلاق و انسانیت نیز ممکن است بازتاب‌دهنده نگاه خبریه‌ای باشد.

نگاه پزشکی، یکی از رایج‌ترین و چالش‌انگیزترین رویکردها به مساله معلولیت است. در این نگاه، معلولیت مترادف با بیماری تلقی می‌شود. آرمان این است که علم پزشکی مانع تولد تمامی افراد دارای معلولیت شود و هر شخصی هم که در طول زندگی دارای معلولیت شد، به مدد علم پزشکی بهبود یابد. در این نگاه، جامعه ایده‌آل جامعه‌ای است که تا حد امکان فرد دارای معلولیت در آن وجود نداشته باشد. در این جزوه، امکان پرداختن به زوایای مختلف این بحث وجود ندارد اما نکته کلیدی این است که معلولیت، بخشی از تنوع بشری است و هرچند همه افراد باید به پیشرفته‌ترین

درمان‌های پزشکی دسترسی داشته باشند، اما این نافی حق انتخاب هیچ انسانی نیست. ضمن این که بسیاری از نقایص جسمی، ذهنی یا روانی منجر به معلولیت، قابل برطرف کردن نیستند.

بازتاب این بحث در مقوله انتخاب واژگان زمانی است که روزنامه‌نگاران بر تشخیص پزشکی یا درمان تمرکز می‌کنند. مثلاً به جای این که به سادگی بگویند «الف دارای معلولیت جسمی است و برای تردد از ویلچیر استفاده می‌کند» می‌نویسند: «الف به دلیل ابتلا به بیماری دیستروفی عضلانی قادر به حرکت نیست و ناچار از ویلچیر استفاده می‌کند.»

نگاه حق‌محور یا حقوق بشری به مساله معلولیت، کمک خواهد کرد تا مناسب‌ترین واژه‌ها یا تعابیر را هنگام نوشتن از معلولیت برگزینیم. در این رویکرد، معلولیت همچون جنسیت، نژاد و غیره بخشی از هویت فرد است و هیچ‌کس به دلیل معلولیت نباید از حقوق و آزادی‌های بنیادی انسانی محروم شود. همه انسان‌ها صرف نظر از معلولیت، ارزش و کرامت یکسانی دارند و حق دارند به صورت برابر از تمامی جنبه‌های زندگی بهره ببرند. تاثیر نهادینه‌سازی این رویکرد به مساله معلولیت، انتخاب واژگان خنثی و بدون بار مثبت یا منفی در توصیف معلولیت خواهد بود.

### اصل سوم: معلولیت به عنوان بخشی از هویت فردی نه تمام آن

یک نکته بسیار کلیدی این است که معلولیت فقط یکی از بخش‌های هویت فردی هر انسان است. یک فرد دارای معلولیت، علاوه بر این ویژگی، جنسیت، نژاد، زبان و گرایش جنسی مشخصی نیز دارد. به همین جهت، بسیاری از فعالان این عرصه از عبارت «فرد دارای معلولیت» به جای «معلول» استفاده می‌کنند تا نشان دهند که فرد مورد بحث در درجه اول انسان است؛ انسانی که در کنار سایر مشخصات فردی، دارای معلولیت است. این نکته مهمی است زیرا گاه موضوع معلولیت فرد آن‌چنان مورد توجه و تاکید قرار می‌گیرد که سایر ویژگی‌های او مغفول می‌ماند. به عنوان نمونه، فراموش می‌شود که یک زن دارای معلولیت، هم‌زمان زن است و دارای معلولیت و نباید به او تنها از منظر معلولیت پرداخت.

### اصل چهارم: اولویت‌دادن به خواست و تمایل فرد در انتخاب واژگان

در هر حال نباید از این نکته بنیادین غافل شد که مرجع نهایی برای تعیین این‌که از چه واژه‌ای و به چه صورت در توصیف فرد استفاده شود، خود او و در مورد کودکان بسته به سن و میزان رشد، والدین یا قیم قانونی و یا نظر کودک با کمک و مشورت والدین است.

بنابراین، در صورت دسترسی به سوژه، بهتر است از او پرسیده شود که ترجیح می‌دهد با چه عبارتی و به چه صورت به معلولیت او اشاره شود. اگر انتخاب فرد مورد نظر جزو واژگانی بود که در این جزوه یا با اعمال اصول بالا مناسب دانسته نمی‌شود، روزنامه‌نگاران باید به انتخاب فرد احترام بگذارند و از همان واژه استفاده کنند. منتها واژه مزبور باید در داخل گیومه قرار گیرد و در صورت امکان، توضیح مختصری در خصوص این‌که چرا این واژه با نگاه حق‌محور به معلولیت منطبق نیست، به مطلب اضافه شود.

## اصل پنجم: قرار دادن واژگان مردود در گیومه

اگر به دلیل انتخاب خود فرد موضوع روایت، یا به اقتضای نقل قول، از واژه یا عبارتی استفاده می‌شود که در این جزوه به عنوان واژه نامناسب معرفی شده، لازم است که واژه یا عبارت مورد نظر در داخل گیومه قرار گیرد تا نشان داده شود که انتخاب نویسنده مطلب نیست. اگر فضای مطلب اجازه دهد، بهتر است در حد یکی دو جمله علت نامناسب بودن تعبیر مورد نظر تبیین، و تعبیر پیشنهادی جایگزین معرفی شود.

## اصل ششم: عدم استفاده از واژگان مربوط به معلولیت در موارد غیر مرتبط

استفاده از واژه‌هایی که در زبان روزمره برای اشاره به انواع معلولیت استفاده می‌شود برای توصیف موارد منفی که ارتباطی به معلولیت ندارد، حاوی رویکرد معلول‌ستیزانه و بر خلاف نگاه حق‌محور و برابر به افراد دارای معلولیت است و به همین جهت اکیداً توصیه نمی‌شود. مثلاً استفاده از واژه‌های «کر» یا «کور» برای توصیف مسئولانی که به مشکلات معیشت مردم بی‌توجه هستند، در واقع به این معنی است که ندیدن و نشنیدن فیزیکی را عامل غفلت و بی‌توجهی بدانیم و فرد نابینا و ناشنوا را معادل فرد بی‌توجه و بی‌مسئولیت قرار دهیم.

دلیل دیگر برای توصیه به استفاده نکردن از این تعابیر، تصویری است که در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود. وقتی هدف نهایی ما رفع تبعیض و مقابله با نگاه‌های توهین‌آمیز و تحقیرآمیز به افراد دارای معلولیت است، عبارتی نظیر «اقتصاد فلج و علیل ایران» نباید به کار گرفته شود زیرا که با خواندن و شنیدن آن اغلب تصویر یک فرد دارای معلولیت جسمی در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد؛ به ویژه که واقعا ضرورتی هم وجود ندارد و تعابیر مناسب بسیاری برای رساندن مقصود در زبان فارسی وجود دارند.



## انتخاب تعابیر و واژه‌های مناسب برای اشاره به معلولیت

صفحه	واژه‌های نامناسب	صفحه	واژه‌های مناسب
۷	معلولیت یا نقص مادرزاد	۶	معلولیت معلولیت از بدو تولد
۷	رنج بردن از یا مبتلا بودن به معلولیت	۶	معلولیت داشتن
۷	معلول	۶	فرد دارای معلولیت
۷	علیل، زمین‌گیر یا از کار افتاده		
۸	عجیب‌الخلقه یا ناقص‌الخلقه		
۸	توان‌خواه، توان‌یاب یا توان‌جو		
۸	دگر توان		
۸	فرد/کودک استثنایی		
۹	فرد با نیازهای ویژه		
۹	قهرمان، اسطوره، ابرنسان		
		۹	معلولیت پنهان یا غیر مشهود
۱۰	فرد/کودک سالم	۱۰	فرد فاقد معلولیت
۱۰	فرد/کودک عادی یا نرمال	۱۰	فرد غیر معلول

### تعریف معلولیت به عنوان یک مفهوم اجتماعی و حقوق بشری

برای انتخاب تعابیر مناسب و منطبق با اصول بنیادین حقوق بشر در اشاره به مفهوم معلولیت، باید توجه داشت که معلولیت صرفاً یک ویژگی فردی نیست بلکه مفهومی اجتماعی و پویاست. به این معنا که معلولیت حاصل تعامل میان یک یا چند نقص یا آسیب حسی (بینایی یا شنوایی)، جسمی، ذهنی یا روانی از یک سو، و موانع محیطی، ارتباطی، ساختاری و باورهای نادرست از سوی دیگر است که در نتیجه آنها، فرد مورد نظر از احقاق برخی حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی خود باز می‌ماند.

درک این تعریف در انتخاب تعابیر مناسب در اشاره به معلولیت بسیار حیاتی است. بنابر این، آنچه موجب محرومیت فرد از حقوق برابر با دیگران است، صرفاً نقص جسمی یا ذهنی او نیست، بلکه وجود موانع مختلفی است که به دلیل تبعیض و رویکردهای معلول‌ستیزانه سد راه افراد دارای معلولیت می‌شود. به همین جهت استفاده از عبارتهایی مانند اختلال یا آسیب به جای معلولیت پیشنهاد نمی‌شود.

### «معلولیت/فرد دارای معلولیت»

توصیه می‌شود همواره از واژه «معلولیت» و نیز عبارت «فرد دارای معلولیت» یا «فرد معلول» استفاده شود. این عبارت در ترجمه فارسی رسمی از کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت هم به کار رفته و مورد توافق اکثریت قریب به اتفاق حقوق‌دانان و فعالان حقوق افراد دارای معلولیت است.

## «معلولیت یا نقص مادرزاد»

این واژه به دلیل ضدزن بودن به هیچ وجه مناسب نیست و این مفهوم را تداعی می‌کند که مادر مسئولیت هر نقص و اختلالی را در کودک بر عهده دارد. به جای آن می‌توان از عبارت «معلولیت از بدو تولد» استفاده کرد.

## «رنج بردن از یا مبتلا بودن به معلولیت»

اغلب در نوشتار و گفتار با عباراتی نظیر «الف از ناشنوایی رنج می‌برد» یا «به سندروم داون مبتلا است» برخورد می‌کنیم. استفاده از این قبیل تعابیر توصیه نمی‌شود چرا که مبین این رویکرد است که معلولیت متضمن رنج و بلا است (نگاه تراژیک به معلولیت). برخی افراد دارای معلولیت به دلیل شرایط سلامتی یا دردهای مقطعی یا مزمن جسمی و یا روحی روبه‌رو هستند و بسیاری دیگر به دلیل موانع متعدد محیطی، نگاه‌های تحقیرآمیز جامعه، و نقص قوانین و سیاست‌های حاکم با مشکلات و رنج‌های بسیاری مواجهند. اما این موضوع جزو ذات معلولیت نیست و بسیاری از افراد دارای معلولیت در جوامعی که مردم آموزش بیشتری در ارتباط با نحوه تعامل با آنها دیده‌اند و امکان رشد و پیشرفت تحصیلی و شغلی برای‌شان فراهم است، رنجی دائمی را به خاطر معلولیت تجربه نمی‌کنند.

## «معلول»

چنان‌که در فصل پیشین توضیح داده شد، جداً توصیه می‌شود که تا حد امکان از تعابیری نظیر «فرد دارای معلولیت»، «کودک دارای معلولیت»، «خانواده‌های افراد دارای معلولیت» و نظایر آن استفاده شود. آوردن فرد، کودک و غیره مقدم بر واژه معلولیت برای تأکید بر این حقیقت است که معلولیت صرفاً بخشی از هویت فرد است و نه تمام آن، و نیز این که یک فرد دارای معلولیت بیش و پیش از هر چیز یک انسان است با ارزش ذاتی، حقوق و آزادی‌های کامل‌برابر با بقیه افراد جامعه. به همین جهت، استفاده از کلمه «معلول» پیشنهاد نمی‌شود.

با این حال، با توجه به محدودیت‌های زبان فارسی، اگر آهنگ روایت یا جمله با استفاده از عبارت «فرد دارای معلولیت» آسیب می‌بیند، می‌توان گاهی از کلمه «معلول» یا «معلولان» به عنوان جایگزین استفاده کرد. اغلب در یک متن طولانی در این موضوع، می‌توان از هر دو کلمه معلول و فرد دارای معلولیت به صورت جایگزین استفاده کرد ولی تأکید می‌کنیم که واژه ترجیحی «فرد دارای معلولیت» است.

## «علیل»، «زمین‌گیر» یا «از کار افتاده»

این کلمات هرچند هنوز در برخی قوانین جاری کشور وجود دارند، به هیچ وجه پیشنهاد نمی‌شوند چرا که منعکس‌کننده نگاه ترحم‌آمیز و پزشکی به موضوع معلولیت هستند. اگر به دلیل نقل قول از شخص یا متن رسمی ناچار به استفاده از این تعابیر هستیم، پیشنهاد می‌شود که واژگان مورد نظر در داخل گیومه قرار گیرند و در صورت امکان توضیح مختصری در مورد علت نامناسب بودن آنها ذکر شود.

## «عجیب‌الخلقه» یا «ناقص‌الخلقه»

این قبیل کلمات در گذشته برای اشاره به کسانی که شکل ظاهری، بدن یا صورت آنها متفاوت یا به طور کامل شکل نگرفته بود، استفاده می‌شد. استفاده از این کلمات به هیچ عنوان توصیه نمی‌شود و بهتر است از ادبیات پوشش رسانه‌ای به طور کامل حذف شوند، چراکه جنبه تحقیر و توهین دارند و در توضیح نوع معلولیت هم ناکارآمد هستند. همچنین توصیه می‌شود که از این قبیل کلمات به عنوان استعاره یا توضیح استعاره‌ای رویدادها یا پدیده‌های غیر مرتبط با معلولیت هم استفاده نشود. به دلیل بار معنایی در اطلاق به معلولیت، این ترکیب‌ها حاوی مفهوم معلول‌ستیزانه‌اند. به عنوان نمونه، در جملاتی مانند «ترکیب مذهب و حقوق بشر، ترکیبی عجیب‌الخلقه یا ناقص‌الخلقه است.»

## «توان‌خواه»، «توان‌یاب» یا «توان‌جو»

در سال‌های اخیر برخی فعالان و افراد دارای معلولیت و خانواده‌های آنها از این قبیل کلمات استفاده کرده‌اند. باید توجه داشت که هرچند این کلمات فارسی هستند و به دلیل ریشه عربی کلمه معلولیت، ممکن است برای عده‌ای جذاب به نظر برسند، اما در باطن منعکس‌کننده نگاه پزشکی به معلولیت هستند. به این معنا که فرد را فاقد توان فرض می‌کنند که در جستجو یا خواهان توان است. در حقیقت، این قبیل کلمات، بار تغییر شرایط و ارتقاء حقوق و برابری افراد دارای معلولیت را بر دوش خود آنها می‌گذارد و آنها را به عنوان خواهندگان، جویندگان یا یابندگان توان به جامعه معرفی می‌کند. در حالی که عبارت «فرد دارای معلولیت» از این جهت خنثی است و بر این حقیقت پایه‌گذاری شده که فرد دارای نقصی جسمانی، ذهنی و یا روانی است ولی آنچه در نهایت به معلولیت و ناتوانی او منجر می‌شود، وجود موانع گوناگون در جامعه از قبیل نگاه افراد و قوانین و سیاست‌های موجود است. بنابراین، راه‌حل نهایی نه در توان یافتن فرد بلکه در برطرف کردن موانع موجود است.

## «دگرتوان»

این واژه نیز به تازگی از سوی برخی مورد استفاده قرار گرفته و منعکس‌کننده نوعی انکار معلولیت است و از این جهت، شبیه واژه «روشندل» است. در حقیقت، اطلاق این واژه متضمن این است که فرد توانایی متفاوتی دارد و مثلاً اگر توان شنیدن ندارد، در عوض بهتر می‌بیند یا اگر توان حرکت ندارد، ذهنش فعال‌تر است. اما همان‌گونه که در تعریف حق‌محور از معلولیت بیان شد، علت ناتوانی فرد دارای معلولیت صرفاً نقص یا اختلال جسمی نیست بلکه مناسب نبودن محیط، نگاه‌ها و قوانین است و با رفع این موانع، ناتوانی کاهش می‌یابد و فرد دارای معلولیت با محدودیت‌های بسیار کم‌تری روبرو می‌شود.

## «فرد یا کودک استثنایی»

این عبارت این فرض نادرست را تایید می‌کند که افراد دارای معلولیت خارج از نرم، غیرعادی و غیرطبیعی هستند. اما بر اساس نگاه حق‌محور، معلولیت بخشی از تنوع انسانی است و افراد دارای معلولیت به هیچ عنوان شهروند درجه دوم یا غیر عادی نیستند. بنا به تخمین سازمان بهداشت جهانی، ۱۶ درصد از جمعیت جهان دارای معلولیت هستند و این حقیقتی انکارناپذیر در تمام جوامع است و جنبه ویژه یا استثنایی ندارد.

## «فرد با نیازهای ویژه»

استفاده از این عبارت نیز به فعالان حقوق افراد دارای معلولیت پیشنهاد نمی‌شود چرا که منعکس‌کننده این رویکرد است که نیازهای فرد دارای معلولیت خاص و ویژه است و او انسانی خارج از نرم و غیرعادی است. استفاده از عبارت «نیازهای ویژه» مجوز به‌تاخیرانداختن و یا توجیه نامین‌نکردن شرایط مورد نیاز برای برخورداری برابر افراد دارای معلولیت از حقوق یکسان با بقیه افراد جامعه را فراهم می‌کند. بسیاری از متصدیان امور، با استفاده از عبارت «نیاز ویژه» از زیر بار رفع موانع و تضمین دسترسی برابر برای افراد دارای معلولیت شانه خالی می‌کنند و رفع این موانع را بر عهده نهادها و افراد متخصص می‌گذارند. در حالی که نیازهای یک فرد دارای معلولیت مثل هر فرد دیگری ممکن است با بقیه متفاوت باشد و اقلیت‌بودن این افراد به معنای «ویژه» بودن نیاز آنها نیست.

## «قهرمان»، «اسطوره»، «ابرانسان»

در مقابل نگاه ترحمی، بعضا شاهد رویکردهای اغراق‌آمیز به افراد دارای معلولیت و توانایی‌های آنها هستیم که به صورت عباراتی نظیر اینها («قهرمان»، «اسطوره»، «ابرانسان»، ...) تجلی می‌کنند. واقعیت این است که استفاده از چنین کلماتی، به اندازه کلماتی چون «علیل» و «غیرعادی»، برای افراد دارای معلولیت مشکل‌آفرین است و حضور واقع‌گرایانه و تعامل سازنده آنها با جامعه را دچار اشکال می‌کند. همچنین هر نوع واژه و تعبیری که متضمن پاکی و یا معصومیت برای افراد دارای معلولیت باشد، در همین دسته جای می‌گیرد و استفاده از آن توصیه نمی‌شود.

## «معلولیت پنهان یا نامرئی»

در ذهن اغلب مردم، معلولیت معادل استفاده از ویلچر یا عصای سفید نابینایان است. در حالی که بسیاری از انواع آسیب‌های منجر به معلولیت، نمود ظاهری ندارند. مثلا در نگاه اول نمی‌توان تشخیص داد که فرد ناشنوا یا کم‌شنوا یا دارای اوتیسم یا معلولیت ذهنی است. به علاوه، بسیاری از بیماری‌ها مانند دیابت، بیماری‌های خودایمنی، یا اختلالات سلامت روان، بسته به شرایط و امکانات ممکن است به معلولیت منتهی شوند. با این حال، به دلایل مختلف، بسیاری از افراد دارای معلولیت‌های نامرئی مایل نیستند که به عنوان فرد دارای معلولیت شناخته شوند. اقدام درست در این رابطه از سوی روزنامه‌نگاران، پرسش از فرد مورد نظر و احترام به خواسته و انتخاب اوست.

بسیاری از معلولیت‌هایی که بلافاصله برای دیگران قابل مشاهده نیستند، رسمیت اجتماعی کمتری دارند. اما در سال‌های اخیر تلاش‌های بسیاری هم در زمینه قانونی و هم در سازوکارهای بین‌المللی شده است که طیف وسیعی از معلولیت‌هایی که آشکارا قابل مشاهده نیستند - مانند دردهای مزمن، اختلالات سلامت روان، بخش‌هایی از طیف اوتیسم، و یا بیماری‌های خودایمنی که به معلولیت می‌انجامد - رسمیت یابند. چالش بزرگ در رابطه با معلولیت‌های نامرئی این است که دیگران چون معلولیت را نمی‌بینند، گاهی با بدبینی یا ناباوری با فرد دارای معلولیت برخورد می‌کنند.

با این حال، در رابطه با سوژه‌های کار تولید محتوا، انتخاب بر عهده سوژه است. مثلا یک فرد دارای افسردگی ممکن است خود را به عنوان یک فرد دارای معلولیت روان معرفی کند اما یک فرد دارای پارکینسون بخواهد که صرفا از عنوان بیماری پارکینسون استفاده شود و واژه معلولیت در مورد او به کار نرود.

## «فرد فاقد معلولیت» یا «فرد غیرمعلول»

برای اشاره به افرادی که دارای معلولیت نیستند، بهترین عبارت «فرد فاقد معلولیت» یا «فرد غیرمعلول» است. این عبارت خنثی و فاقد قضاوت است و نگاه‌های ترحم‌آمیز یا پزشکی به معلولیت را منعکس نمی‌کند. اگر روند متن اقتضا کند، می‌توان از عباراتی نظیر «باقی افراد جامعه» نیز در مقابل افراد دارای معلولیت استفاده کرد.

## «فرد یا کودک سالم»

معلولیت به معنای بیماری نیست تا عدم معلولیت به معنای سلامت باشد. البته معلولیت برخی افراد نتیجه بروز بیماری‌های جسمی یا روانی است ولی در بسیاری موارد چنین نیست. از سوی دیگر، افراد فاقد معلولیت نیز ممکن است بارها در طول زندگی به صورت حاد یا مزمن دچار بیماری شوند و در نتیجه «سالم» نباشند. بنابراین، بیماری و معلولیت دو مفهوم کاملاً متفاوت هستند که نباید به جای یکدیگر به کار روند.

## «فرد یا کودک عادی یا نرمال»

این واژه‌ها نیز به دلیل انعکاس «غیرعادی» یا «غیرنرمال» دانستن افراد دارای معلولیت، مناسب نیستند.

## تعیین درصد و شدت و ضعف برای معلولیت

همانطور که در آغاز این فصل ذکر شد، معلولیت فقط نتیجه اختلال یا آسیب جسمی، ذهنی یا روانی نیست بلکه میزان موانع موجود در قوانین، ساختارها و نگاه‌ها بر بروز و میزان محدودیت‌های ناشی از معلولیت تأثیر مستقیم دارند. یک فرد با میزان مشخصی از آسیب بینایی یا شنوایی، در محیط یا کشوری فاقد امکانات و درگیر نگاه معلول‌ستیزانه، با محدودیت‌های شدید مواجه است؛ در حالی که همین فرد در یک محیط دسترس‌پذیر که افراد جامعه نگاه برابر و انسانی به افراد دارای معلولیت دارند، محدودیت‌های بسیار کمتری را تجربه می‌کند.

بنابراین، نمی‌توان بر اساس میزان و نوع اختلال یا آسیب جسمی، برای معلولیت درصد یا شدت تعریف کرد. عبارتی نظیر «معلولیت خیلی شدید» یا «صد در صدی» که در ادبیات مردم و مسئولان به کار می‌رود نه دقیق هستند و نه مناسب. به جای آن می‌توان مثلاً نوشت: «الف دارای معلولیت جسمی است و با موانع و محدودیت‌های بسیاری در تردد و زندگی روزمره روبروست.»

البته با توجه به رواج گسترده این نوع طبقه‌بندی در سازمان بهزیستی ایران و تعیین میزان مستمری و سایر حمایت‌ها بر اساس «ارزبایی شدت معلولیت»، می‌توان بر حسب ضرورت خبری و با قرار دادن تعبیر مورد بحث در گیومه از این قبیل کلمات استفاده کرد. منتها پیشنهاد می‌شود که در صورت امکان توضیح مختصری در مورد غیردقیق و غیرصحيح بودن چنین طبقه‌بندی‌ای به مطلب اضافه شود.

## انتخاب تعابیر و واژه‌های مناسب برای اشاره به گروه‌های مختلف افراد دارای معلولیت

صفحه	واژه‌های نامناسب	صفحه	واژه‌های مناسب
	کری		آسیب شنوایی
۱۳	کر	۱۲	ناشنوا یا کم‌شنوا
۱۳	لال یا گنگ	۱۳	فاقد قوه تکلم یا استفاده از زبان اشاره
۱۳	کر و لال		
		۱۴	زبان اشاره ایرانی (اشارانی)
۱۴	رابط ناشنویان	۱۴	مترجم زبان اشاره
۱۵	الکن	۱۵	فرد دارای لکنت زبان
	کوری		اختلال بینایی
۱۵	روشن‌دل	۱۵	نابینا یا کم‌بینا
۱۵	کور		
۱۶	معلول جسمی-حرکتی	۱۶	فرد دارای معلولیت جسمی فرد با معلولیت جسمی
۱۶	فلج افلیج شل چلای	۱۶	ضعف عضلانی تحلیل عضلانی
۱۷	قطع عضو یک‌دست یا یک‌پا		مثال در صورت ضرورت: الف در اثر انفجار مین بخشی از پای راست خود را از دست داده الف از بدو تولد دارای یک دست است
۱۷	اسبیر صندلی چرخدار ویلچری	۱۷	الف از ویلچر استفاده می‌کند
۱۷	عقب‌مانده ذهنی کندذهن	۱۷	فرد دارای معلولیت ذهنی
۱۷	منگل	۱۷	فرد دارای سندروم داون
		۱۸	فرد دارای فراموشی
		۱۸	اختلال یادگیری دیسلکسیا
۱۸	اسپرگر	۱۸	فرد دارای اوتیسم
۱۹	درخودمانده		اوتیستیک

واژه‌های مناسب	صفحه	واژه‌های نامناسب	صفحه
معلولیت روان اختلال سلامت روان	۱۹	اختلال مشاعر سایکوز روان‌پریش	۱۹
فرد دارای معلولیت روان	۱۹	بیمار روانی مجنون دیوانه	۱۹
اختلال توجه و تمرکز یا بیش‌فعالی (ای‌دی‌اچ‌دی)	۲۰		
اختلال دوقطبی	۲۰		
افسردگی دپرشن	۲۰		
اختلال وسواس اجباری (او سی دی)	۲۱		
اختلال استرس بعد از حادثه (پی‌تی‌اس‌دی)	۲۱		
اسکیزوفرنیا	۲۱		
اختلال هویت تجزیه‌ای	۲۲	دو/ چند شخصیتی	۲۲
افراد کوتاه‌قامت	۲۲	کوتوله آدم کوچولو	۲۲
دیسمورفیا قاعدگی دردناک	۲۲		
اندومترئوسیس	۲۲		
اعتیاد فرد با سو مصرف مواد مخدر یا الکل	۲۳	آلوده پاک معتاد	۲۳
صرع	۲۳	مصروع	۲۳
حالت اغما یا کما	۲۳	وضعیت نباتی	۲۳

## معلولیت‌های ناشی از آسیب شنوایی

«ناشنوا یا کم‌شنوا»

واژه صحیح برای اشاره به افراد دارای اختلال شنوایی حسب مورد «ناشنوا» یا «کم‌شنوا» است. توجه کنیم که بسیاری از افرادی که از سمعک یا لیخوانی یا ترکیبی از هر دو برای درک صحبت‌های دیگران استفاده می‌کنند، کاملاً ناشنوا نیستند و درصدی شنوایی دارند که در مورد آنها از واژه کم‌شنوا استفاده می‌شود.

در کل ضرورتی برای تاکید بر میزان شنوایی یا بینایی فرد وجود ندارد مگر این که این موضوع بر روایت یا خبر مورد نظر تاثیر مستقیم داشته باشد. بنابراین، در گام نخست در صورت امکان از سوژه پرسیده می‌شود که مایل است با چه واژه‌ای توصیف شود. در صورتی که این امکان فراهم نباشد، به سادگی از واژه «ناشنوا» استفاده شود.

### «کر»

استفاده از کلمه «کر» برای اشاره به فرد ناشنوا توهین‌آمیز است به ویژه که در فرهنگ و ادبیات ما، اصولاً از کلمه «کر» به صورت توهین یا تحقیر برای بیان ناتوانی مخاطب در درک مسائل و اشاره به ناتوانی او در فهم مطالب استفاده می‌شود.

## معلولیت‌های ناشی از اختلال در گفتار

### «فاقد قوه تکلم» یا «استفاده از زبان اشاره»

به طور کلی بسیاری از افراد ناشنوا یا کم‌شنوا به ویژه آنها که از بدو تولد یا در دوران خردسالی ناشنوا یا کم‌شنوا هستند، با زبان اشاره صحبت می‌کنند و در مورد آنها بهتر است از همین تعبیر استفاده شود. در واقع زبان‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: زبان‌های مبتنی بر گفتار یا کلمه و زبان‌های اشاره. بنابراین، چنین فردی فاقد قوه تکلم نیست بلکه صرفاً به زبان اشاره صحبت می‌کند.

در مقابل، افرادی هم هستند که به دلایل مختلف که ارتباطی هم به وجود یا فقدان شنوایی ندارد، فاقد قوه تکلم هستند مثلاً در اثر تروما یا آسیب به زبان یا هنجره. در مورد آنها از عبارت «فاقد قوه تکلم» استفاده می‌شود. کلمه «ناگویا» به نظر کلمه مناسب‌تری است ولی واقعیت این است که در ادبیات فارسی جا نیفتاده و همیشه قابل استفاده نیست.

### «لال یا گنگ»

برای اشاره به کسی که فاقد توانایی تکلم به زبان گفتار است به هیچ عنوان نباید از واژه «لال» استفاده کرد؛ به ویژه که در فرهنگ و ادبیات ما کلماتی مانند «لال» یا «گنگ» برای اشاره به کسی که ناتوان از انتقال مقصود خویش است، استفاده می‌شود. اما کسی که به زبان اشاره سخن می‌گوید، از یک زبان برای انتقال مفاهیم استفاده می‌کند و اگر ما مقصود او را درک نمی‌کنیم، دلیلش ناتوانی ما در درک آن زبان است نه ناتوانی گوینده در تکلم.

### «کر و لال»

در گذشته تصور بر این بود که فرد ناشنوا یا کم‌شنوا، به‌خودی‌خود فاقد قدرت تکلم بوده و به همین جهت از عبارت کر و لال در توصیف این افراد استفاده می‌شد. این درحالی است که افراد ناشنوا یا کم‌شنوا از طریق زبان اشاره و گاهی با ادای برخی کلمات با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند. اگر به دلیل ناآشنایی اغلب افراد با زبان اشاره یا نبود مترجم حرفه‌ای زبان اشاره، ناشنوایان در برقراری ارتباط با دیگران با مشکلاتی مواجه می‌شوند، دلیل آن تبعیض سیستمی و



بی‌توجهی به حقوق افراد دارای معلولیت در جامعه است. در توصیف چنین فردی می‌توان نوشت: «او ناشنوا است و با زبان اشاره با ما صحبت کرد.»

بنابراین، استفاده از واژه «کر و لال» به‌هیچ‌عنوان توصیه نمی‌شود زیرا حاوی این پیش‌فرض نادرست است که هر کس مشکل شنوایی دارد قادر به برقراری ارتباط و بیان مقصود خود نیست. اگر فرد مورد نظر علاوه بر ناشنوا یا کم‌شنوا بودن، یا صرف نظر از آن قادر به تکلم نباشد، باید دقیقاً به همین نکته اشاره و از تعمیم این مطلب به تمام ناشنوایان و کم‌شنوایان اجتناب کرد.

### «زبان اشاره»

زبان‌های اشاره نیز مانند زبان‌های گفتاری متنوع هستند. مانند زبان اشاره آمریکایی، فرانسوی، عربی یا بریتانیایی. تفکیک زبان‌های اشاره بیشتر منطقه‌ای است. به عنوان نمونه، همه انگلیسی‌زبان‌ها در جهان، از یک زبان اشاره استفاده نمی‌کنند. زبان اشاره آمریکایی و زبان اشاره بریتانیایی دو زبان اشاره متمایز هستند. بنابراین روزنامه‌نگاران بهتر است در پوشش زبان اشاره، دقیق بیان کنند که کدام زبان اشاره از طرف سوژه استفاده شده است.

### «زبان اشاره ایرانی» یا «اشارانی»

برخی از فعالان حوزه معلولیت و زبان اشاره به تلاش‌هایی در جهت گردآوری و مدون کردن زبان اشاره ایرانی پرداخته و آن را به اختصار «اشارانی» خوانده‌اند.

اگر سوژه مطالب خود را به زبان اشاره بیان کرده، بهتر است در آغاز گزارش این نکته ذکر شود، اما در ادامه می‌توان از اشکال مختلف فعل «گفتن» استفاده کرد و نیازی نیست مرتب از فعل «اشاره کردن» استفاده کنیم. بنابراین می‌توان گفت: «در ادامه گفتگوی ما را با خانم الف می‌شنوید. لازم به ذکر است که این گفتگو به زبان اشاره ایرانی یا اشارانی و با کمک مترجم زبان اشاره انجام شده.» اما در ادامه گزارش از فعل «گفتن» استفاده می‌شود، همان‌طور که اگر سوژه به اسپانیایی صحبت کند مرتب این مطلب یادآوری نمی‌شود.

### «مترجم زبان اشاره»

کسانی که با زبان اشاره آشنا نیستند، برای گفت‌وگو و برقراری ارتباط با فردی که از زبان اشاره استفاده می‌کند، از مترجم زبان اشاره کمک می‌گیرند. اصول و طرز برخورد در حضور مترجم زبان اشاره، دقیقاً مانند هر مترجم دیگری است و از این حیث تفاوتی میان مترجم زبان اشاره و مترجم سایر زبان‌ها وجود ندارد.

### «رابط ناشنوایان»

این اصطلاح در گذشته در مورد کسانی که به زبان اشاره آشنایی داشتند، به کار می‌رفت. اما با پذیرش زبان اشاره به عنوان زبانی برابر و هم‌تراز با سایر زبان‌ها، استفاده از این تعبیر دیگر پیشنهاد نمی‌شود. زیرا متضمن این تصور است که ناشنوایان از بقیه جامعه جدا هستند و برای برقراری ارتباط با آنها، به یک شخص ثالث به عنوان «رابط» نیاز است.

### «فرد دارای لکنت زبان»

در مورد افرادی به کار می‌رود که در بیان کلمات و جملات با لکنت مواجه می‌شوند. میزان آن در افراد مختلف، و در زمان‌های مختلف یک گفت‌وگو متفاوت است. اشاره به وجود لکنت فقط در صورتی مناسب است که برای بیان مطلب اصلی لازم باشد. اگر با کسی گفت‌وگوی صوتی یا تصویری می‌کنید که لکنت زبان دارد، حساسیت حرفه‌ای مهم است. زمان بدهید که فرد صحبتش را تمام کند. از قطع یا تمام کردن جملات فرد به شدت خودداری کنید. صبور باشید و زمان کافی برای انجام گفت‌وگو در نظر بگیرید. اگر موضوع محتوایی مربوط به لکنت زبان است، قبل از آغاز گفت‌وگو در مورد هر گونه اطلاعات شخصی مرتبط، رضایت سوژه را کسب کنید.

### «الکن»

این کلمه امروزه چندان رایج نیست و استفاده از آن به دلیل تداعی نگاه تحقیرآمیز به افرادی که فاقد قوه تکلم یا دارای لکنت هستند، توصیه نمی‌شود. همچنین پیشنهاد می‌شود تا حد امکان از کاربرد آن در موارد غیر مرتبط به معلولیت نیز اجتناب شود. مثلاً استفاده از عبارت «زبان در بیان این موضوع الکن است» پیشنهاد نمی‌شود.

## معلولیت‌های ناشی از اختلال بینایی

### «نابینا» یا «کم‌بینا»

به کسانی که به طور کامل یا تقریباً کامل فاقد قوه بینایی هستند، نابینا، و به کسانی که بینایی محدودی دارند، کم‌بینا اطلاق می‌شود.

### «روشن‌دل»

این واژه برخاسته از نگاه خیره یا مقدس‌سازی از معلولیت است و بر این فرض بنا شده که ندیدن چشم، باعث روشنایی قلب و بصیرت درونی می‌شود. صرف نظر از این که «روشنی دل» یا «بصیرت» اصولاً مفهومی انتزاعی، تعریف‌ناپذیر و سنجش‌ناپذیر است، هیچ رابطه معناداری میان معلولیت و ویژگی‌های اخلاقی و روحانی یا تکامل ذهنی افراد وجود ندارد و اثبات نشده است.

### «کور»، «لوچ»، «یک‌چشمی»

استفاده از این قبیل کلمات به دلیل جنبه تحقیر و توهین که در فرهنگ فارسی با آنها همراه شده، به هیچ عنوان توصیه نمی‌شود. همچنین به دلیل اجتناب از تداعی اشاره به معلولیت، پیشنهاد می‌شود که از این قبیل کلمات و تعابیر به صورت استعاری هم استفاده نشود (عباراتی نظیر «ترور کور»، «حمله کور» و غیره).

## معلولیت‌های ناشی از آسیب‌های جسمی یا فیزیکی

«فرد دارای معلولیت جسمی»، «فرد با معلولیت جسمی»

این واژه طیف گسترده‌ای از افراد دارای معلولیت را در بر می‌گیرد. نکته کلیدی این است که ذکر جزئیات در مورد نوع معلولیت جسمی فقط در حدی توصیه می‌شود که برای انتقال موضوع خبر یا گزارش ضرورت دارد. مثلاً در بسیاری موارد، ذکر این که منشأ آسیب جسمی فرد چیست، آیا از بدو تولد فرد بروز کرده یا در اثر سانحه یا بیماری، و نیز این که چه ویژگی‌های جسمی در بدن فرد وجود دارد، هیچ ضرورتی ندارد و صرفاً پاسخی است به نگاه پزشکی به معلولیت یا رفع کنجکاوی. در اغلب موارد، عباراتی نظیر «الف دارای معلولیت جسمی است و از صندلی چرخ‌دار استفاده می‌کند»، یا «الف به دلیل معلولیت جسمی قادر به استفاده از یک دست نیست» برای انتقال مقصود کافی است. لازم نیست ذکر شود که «الف به دلیل ابتلا به فلج اطفال در کودکی قادر به راه رفتن نیست و از ویلچیر استفاده می‌کند»، مگر این که گزارش به موضوع پیشگیری و واکسیناسیون فلج اطفال مربوط باشد.

### «معلول جسمی-حرکتی»

این واژه دیگر در ادبیات حقوق معلولان مرسوم نیست و یادگار رویکرد پزشکی به معلولیت است. به جای آن می‌توان به «داشتن معلولیت جسمی» اشاره کرد. در صورت اقتضای موضوع گزارش، می‌توان اطلاعات بیشتری در خصوص محدودیت‌های حرکتی ناشی از معلولیت جسمی فرد، به گزارش افزود. لازم به ذکر است که در ادبیات دولتی و سازمان بهزیستی ایران، هم‌چنان از «معلول جسمی-حرکتی» استفاده می‌شود. بنابراین، ممکن است در متون رسمی یا در ادبیات بسیاری از افراد دارای معلولیت داخل ایران هنوز با این واژه مواجه شویم که در این صورت به عنوان نقل قول و در داخل گیومه به کار می‌رود.

### «ضعف عضلانی یا تحلیل عضلانی»

یک اختلال ژنتیکی است که در بیش از ۳۰ نوع مختلف بروز می‌کند. در نتیجه این اختلال، ماهیچه‌های بدن فرد به تدریج تحلیل رفته و قابلیت حرکت را از دست می‌دهند که به معلولیت جسمی منتهی می‌شود. اگر سوژه تمایل دارد که به عنوان «فرد دارای ضعف یا تحلیل عضلانی» معرفی شود، یا ذکر این نکته برای بیان موضوع خبر یا گزارش ضرورت دارد، می‌توان از این واژه استفاده کرد. یادآوری این نکته لازم است که حتی در این فرض، باز هم استفاده از تعابیری مانند «رنج بردن» یا «مبتلا و دچار بودن» مناسب نیست. مثلاً می‌توان گفت «الف به دلیل اختلال ضعف عضلانی، دارای معلولیت جسمی است یا از ویلچیر استفاده می‌کند و برای انجام کارهای روزمره خود، به کمک یک مراقب یا دستیار نیاز دارد.»

### «فلج»، «افلیج»، «شل»، «چلاق»

این گونه کلمات مربوط به رویکردی است که طبق آن، معلولیت جسمانی منجر به انفعال و وابستگی فرد تلقی می‌شود. توصیه می‌شود به طور کلی از استفاده از این کلمات حتی در مواردی که صحبت از معلولیت در میان نیست اجتناب شود. مثلاً عبارتی نظیر «الف از ناحیه هر دو پا فلج است» یا «اقتصاد ایران دچار فلج کامل شده است» توصیه نمی‌شوند.

### «قطع عضو»، «یک‌دست» یا «یک‌پا»

اصولاً ذکر جزئیات در مورد بدن فرد دارای معلولیت، متضمن نگاه پزشکی و معلول‌هراسی است. به علاوه، فقدان یک عضو، همیشه به دلیل قطع شدن آن نیست بلکه ممکن است فرد با یک دست یا پا یا نیمی از هر یک از این اعضا متولد شود. اگر اشاره به فقدان یا کامل نبودن یک عضو برای انتقال موضوع خبر یا گزارش ضروری باشد، می‌توان از عباراتی مانند «الف در اثر انفجار مین بخشی از پای راست خود را از دست داده» یا «الف از بدو تولد دارای یک دست است» استفاده کرد.

### «اسیر صندلی چرخ‌دار»

این عبارت حاوی ترحم نسبت به کسی است که از صندلی چرخ‌دار استفاده می‌کند. همچنین قدرت اراده و انتخاب فرد را زیر سوال می‌برد و این تصور را منتقل می‌کند که فرد مورد بحث دائماً از بابت استفاده از صندلی چرخ‌دار در رنج و عذاب است. باید به خاطر داشت که علت اغلب دشواریهای پیش روی افرادی که از صندلی چرخ‌دار استفاده می‌کنند، وجود موانع فیزیکی و کوتاهی متصدیان امر در عمل به تکالیف خود در دسترس‌پذیر کردن محیط‌های عمومی است.

## معلولیت‌های ناشی از اختلال ذهنی

### «فرد دارای معلولیت ذهنی»

این تعبیری خنثی و در عین حال گویا است که نشان می‌دهد فرد برای انجام برخی امور ذهنی مانند به خاطر سپردن، محاسبات و تحلیل مسائل به زمان بیشتر یا ارائه مطالب به صورت ساده‌سازی شده نیاز دارد.

### «عقب‌مانده ذهنی» یا «کندذهن»

این قبیل کلمات، حاوی جنبه تحقیر و توهین هستند و به همین دلیل استفاده از آنها مناسب نیست.

### «فرد دارای سندروم داون»

یادآوری می‌شود که ذکر نوع خاص نقص یا آسیب فقط در صورتی پیشنهاد می‌شود که برای بیان خبر یا گزارش مورد نظر ضرورت داشته باشد.

### «منگل»

استفاده از این واژه توهین‌آمیز است زیرا در جامعه به عنوان تحقیر و ناسزا رواج دارد، نژادپرستانه است و به علاوه، حاوی اشاره به ویژگی‌های ظاهری افراد دارای سندروم داون است. اگر مطمئن هستیم که فرد مورد نظر دارای سندروم داون است و اشاره به این مطلب برای بیان ماجرای مورد نظر یا خبرسانی لازم است، می‌توان از عبارت «دارای سندروم داون» استفاده کرد.

### «فرد دارای فراموشی»

طیف متنوعی از بیماری‌ها ممکن است در فرد ایجاد فراموشی کند، مانند: آلزایمر، هانتینگتون، یا پارکینسون. فراموشی اغلب علاوه بر اختلال در به خاطر آوردن مطالب و خاطرات، با اشکالاتی در انجام فعالیت‌های پیچیده یا تغییرات خلق و خو نظیر انواع هراس‌های مزمن و موقت همراه است. در ادبیات فارسی اغلب فراموشی را معادل آلزایمر تصور می‌کنند و به همه‌ی افراد دارای فراموشی «آلزایمری» نیز گفته می‌شود، اما همان‌طور که اشاره شد، آلزایمر تنها یکی از عوامل بروز فراموشی است. اگر از نوع دقیق بیماری که منجر به فراموشی شده مطلع نیستیم، بهتر است از عبارت کلی «الف فراموشی دارد» استفاده کنیم. اگر موضوع فراموشی، به موضوع گزارش مرتبط است، بهتر است نوع بیماری پرسیده و در گزارش ذکر شود.

### «اختلال یادگیری» یا «دیسلکسیا»

در این اختلال، فرد در پردازش داده‌های کلامی و مطابقت اصوات با شیوه نگارش آنها با محدودیت‌هایی مواجه است. به عنوان مثال، فرد در شناسایی و املای صحیح کلمات، خواندن و تلفظ کلمات با مشکل مواجه است یا نیاز به زمان بیشتری دارد. معادل «خوانش‌پریشی» هم برای توضیح اختلال دیسلکسیا در فارسی پیشنهاد شده است. استفاده از هرکدام از این کلمات در توصیف یک فرد تنها در صورتی توصیه می‌شود که خود او آن را تایید کند و ذکر این نکته، برای بیان موضوع خیر یا گزارش لازم باشد. اگر فرد خود را دارای دیسلکسیا معرفی کرد، باید از او پرسید که آیا در این مورد تشخیص قطعی صورت گرفته یا خیر. در صورت منفی بودن پاسخ، این مطلب باید در متن خبر یا گزارش ذکر شود.

### اوتیسم

#### «فرد دارای اوتیسم یا اوتیستیک»

اوتیسم را می‌توان به عنوان گروه مستقلی از معلولیت تلقی کرد زیرا افراد دارای اوتیسم طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند و هرچند برخی از آنها دارای معلولیت ذهنی نیز هستند، این امر در مورد همه آنها صادق نیست. برخی از افراد اوتیستیک، فاقد قوه تکلم هستند. بنابراین، توصیه می‌شود که در هنگام تهیه خبر یا گزارش فرد به عنوان یک فرد دارای اوتیسم معرفی شود و چنانچه ضرورت خبری اقتضا کند، توضیح مختصری در زمینه وضعیت فرد در طیف اوتیسم ارائه شود؛ مثلاً: «الف دارای اوتیسم است و معلولیت ذهنی نیز دارد» یا «الف اوتیستیک و فاقد قوه تکلم است یا قوه تکلم محدودی دارد».

اشاره به اوتیستیک بودن فرد فقط در صورتی است که اوله از وجود تشخیص اوتیسم مطمئن باشیم، و ثانیه بیان این نکته برای انتقال موضوع مورد نظر ضروری باشد.

### «اسپرگر»

سندروم اسپرگر جزئی از طیف اوتیسم است و بنابراین، استفاده از این تعبیر به دلیل پررنگ کردن غیرضروری رویکرد پزشکی، توصیه نمی‌شود مگر در صورتی که فرد موضوع گزارش، مایل باشد که به عنوان فرد دارای اسپرگر به مخاطبان معرفی شود.

### «درخودمانده»

در سال‌های اخیر، این تعبیر به عنوان معادل فارسی اوتیسم از سوی برخی مورد استفاده قرار گرفته‌است. اما استفاده از آن توصیه نمی‌شود زیرا حاوی این فرضیه است که تمامی افراد دارای اوتیسم در خود فرو مانده‌اند. در حالی که اولاً محدودیت در برقراری ارتباط با دیگران شامل تمامی افراد اوتیستیک نمی‌شود و ثانیاً عبارت «درخودمانده» بار این محدودیت در برقراری ارتباط را صرفاً بر دوش فرد اوتیستیک می‌گذارد. در صورتی که بسیاری از افراد دارای اوتیسم، در صورت دسترسی به شیوه‌های غیرکلامی و جایگزین، به خوبی و راحتی قادر به برقراری ارتباط متقابل با دیگران هستند.

## معلولیت‌های ناشی از آسیب‌های روانی

### «معلولیت روان» یا «اختلال سلامت روان»

بسیاری افراد، معلولیت‌های ذهنی و روانی را مشابه یا در هم تنیده تلقی می‌کنند. در حالی که به هیچ عنوان چنین نیست. چه بسا افراد دارای معلولیت ذهنی که دارای هیچ نوع اختلال سلامت روان نیستند و برعکس، چه بسیار افراد دارای معلولیت روان که هیچ نقص یا آسیب ذهنی ندارند.

در این مورد نیز ذکر تشخیص روان‌پزشکی فقط در صورتی توصیه می‌شود که برای تکمیل روایت یا بیان خبر لازم باشد. اگر چنین ضرورتی مطرح بود، می‌توان از عناوین متداول استفاده کرد و بدون ورود به جزئیات پزشکی، مختصراً در مورد عوارض اختلال روان‌پزشکی مورد بحث توضیح داد. و البته این نکته را باید به خاطر داشت که طبقه‌بندی و برچسب‌زنی افراد با استفاده از اصطلاحات پزشکی، مغایر کرامت انسانی است و بهترین مرجع برای تشریح شرایط خاص هر فرد، خود اوست، نه کتب و مقالات روان‌پزشکی یا تعاریف قابل جستجو در وب.

### «اختلال مشاعر»

این یک کلمه قدیمی است که در توصیف طیف گسترده‌ای از اختلالات ذهن یا روان به کار می‌رفت. با رواج واژه‌های دقیق و تخصصی، استفاده از این واژه جز در حالت نقل قول یا در فضای متون و داستان‌های قدیمی توصیه نمی‌شود.

### «سایکوز» یا «روان‌پریش»

متأسفانه این واژه به قدری در میان فارسی‌زبانان برای توهین و در موارد غیر مرتبط به کار رفته که استفاده از آن به طور کلی توصیه نمی‌شود؛ مگر در مواردی که تشخیص قطعی روان‌پزشکی وجود دارد و استفاده از آن به جهت ارتباط تنگاتنگ با موضوع روایت، غیر قابل اجتناب باشد. حتی در این صورت نیز توصیه می‌شود که در متن توضیحات کافی و مناسبی در مورد علائم و شرایط فرد گنجانده و از کاربرد بدون پیش‌زمینه و توضیحات ضروری این کلمه اجتناب شود.

### «بیمار روانی»

بسیاری از افراد دارای معلولیت روان بیمار نیستند بلکه به دلیل ویژگی‌ها و تفاوت‌های روانی و در مواجهه با موانع ساختاری و رویکردهای ناصحیح اجتماعی، از بسیاری از حقوق و آزادی‌های اولیه خود محروم هستند. به‌علاوه در

ادبیات روزمره، «بیمار روانی» به عنوان نوعی توهین رواج دارد و به همین جهت استفاده از آن در متن خبر و گزارش توصیه نمی‌شود.

### «مجنون» یا «دیوانه»

متاسفانه کلمه «مجنون» هنوز در بسیاری از قوانین و در نتیجه احکام دادگاه‌های ایران به کار می‌رود، اما استفاده از آن به دلیل جنبه تحقیر و توهین توصیه نمی‌شود. اگر به اقتضای نقل قول ناچار به استفاده از این کلمه هستیم، می‌توان آن را در داخل گیومه قرار داد و توضیح داد که این کلمه با نگاه حق‌محور و کرامت‌انسانی افراد دارای معلولیت روان مغایرت دارد.

### «اختلال توجه و تمرکز» یا «بیش‌فعالی» (ADHD، ای‌دی‌اچ‌دی)

این اختلال اغلب در میان کودکان رایج است اما افراد بزرگسال نیز ممکن است دارای ای‌دی‌اچ‌دی باشند. فرد معمولاً نمی‌تواند بر فعالیتی خاص تمرکز کند و به صورت مستمر به فعالیت‌هایی که در سکوت یا بدون حرکت انجام می‌شود ادامه دهد. استفاده از این تعبیر فقط در صورتی مجاز است که اولاً برای بیان موضوع گزارش ضروری باشد، و ثانیاً مطمئن باشیم که وجود این اختلال از سوی متخصص تأیید شده است.

در صورتی که سوژه کودک است، روزنامه‌نگاران هنگام پوشش موضوع ADHD باید از همه دستورالعمل‌های اخلاقی مربوط به پوشش خبری مسایل مربوط به کودکان پیروی کنند، از جمله: بیان اختلال در گزارش، در صورت اجازه والدین یا سرپرست‌های قانونی، باید با حساسیت در مورد آسیب‌های خبری مربوط به کودکان و رعایت قوانین محلی در این مورد باشد؛ افشای اطلاعات شخصی یا سابقه پزشکی بدون اجازه کتبی نباید اتفاق بیافتد و در مورد کودکان، سرپرست قانونی کودک باید مستقیماً در جریان باشد.

### «اختلال دوقطبی»

اختلال دوقطبی یکی از اختلالات سلامت روان است که به صورت نوسانات شدید در عواطف و احساسات، سطح انرژی، رفتار و عملکرد فرد بروز می‌کند. فرد ممکن است در یکی از حالت‌های مانیک یا شیدایی، نیمه‌شیدایی، افسردگی، یا حالت ترکیبی قرار گیرد. اشاره به وجود این اختلال صرفاً در صورت وجود تشخیص قطعی، و ضرورت در بیان موضوع گزارش مجاز است. استفاده از صفت «دوقطبی» برای توصیف اتفاقات یا سایر موارد تغییر ناگهانی به غیر از مورد اختلال سلامت روان توصیه نمی‌شود.

### «افسردگی» یا «دپرشن»

افسردگی یکی از اختلالات سلامت روان است و طیف گسترده‌ای دارد. افسردگی با علایمی نظیر کاهش تمایل به انجام فعالیت‌های معمول و روزمره، خستگی مستمر، اشکال در تمرکز و تصمیم‌گیری، احساس خلاء و ناامیدی برای مدت طولانی، و عادات غیرمعمول در غذا خوردن همراه است.

افسردگی در همه موارد، منجر به معلولیت روان نمی‌شود. بسته به نوع و شدت افسردگی، دسترسی فرد به خدمات سلامت روان، و شرایط محیطی و فرهنگی، افسردگی ممکن است به صورتی ناتوان‌کننده بروز کند که در اثر آن فرد در برخورداری یکسان از حقوق و آزادی‌های فردی و مشارکت اجتماعی، با محدودیت مواجه شود. اشاره به افسردگی فرد در صورتی مناسب است که ذکر این نکته برای بیان موضوع خبر یا گزارش لازم باشد. اگر افسردگی توسط روان‌پزشک تشخیص داده نشده و استنباط‌گوینده یا سوژه گزارش است، این نکته باید صریحاً ذکر شود.

#### «اختلال وسواس اجباری» (OCD، اوسیدی)

این اختلال حاصل افکار یا ترس‌های غیرمنطقی است که به رفتار یا عادت‌های تکرارشونده یا افراطی منجر می‌شود. وسواس ممکن است به صورت فکری یا عملی، و یا هر دو صورت بروز کند. معرفی یک فرد به عنوان «فرد دارای اختلال وسواس» فقط در صورتی مناسب است که تشخیص قطعی و تأییدشده باشد، و اشاره به این نکته برای بیان مطلب مورد نظر لازم باشد. توصیه می‌شود برای مواردی که وجود اختلال وسواس تأییدنشده از عبارات مشابه استفاده شود یا ذکر شود که این موضوع به تأیید متخصص نرسیده است.

#### «اختلال استرس بعد از حادثه» (PTSD، پی‌تی‌اس‌دی)

نوعی اختلال اضطرابی است که ممکن است پس از یک رویداد سنگین به لحاظ عاطفی مانند بلایای طبیعی، جنگ، تعرض جنسی، مرگ عزیزان یا بازداشت بروز کند. این اختلال با علایمی نظیر بازتولید تجربه ناخوشایند، پرهیز از برخی کارها، احساسات منفی، یا عوارض جسمی مانند سرگیجه و تهوع همراه است. نسبت‌دادن این اختلال به فرد در صورتی مناسب است که تشخیص متخصص در این مورد وجود داشته، و ذکر این نکته برای بیان مقصود اصلی لازم باشد. توصیه می‌شود در مرتبه نخست، اصطلاح «اختلال استرس یا اضطراب بعد از حادثه» به طور کامل استفاده و در صورت اقتضای مطلب، توضیح مختصری برای مخاطب اضافه شود. اگر از آشنایی مخاطب با معادل لاتین مطمئن هستیم در مراتب بعدی می‌توان از مخفف «پی‌تی‌اس‌دی» استفاده کرد.

#### «اسکیزوفرنیا»

یک اختلال مزمن سلامت روان است که در آن فرد در درک و تفسیر واقعیات اطراف خود با مشکل روبه‌رو می‌شود و در نتیجه، شیوه تفکر، احساس و عملکرد فرد تحت تاثیر قرار می‌گیرد. علایم رایج اسکیزوفرنیا شامل چنین مواردی می‌شود: دیدن یا شنیدن تصاویر یا صداهایی که برای دیگران قابل دیدن یا شنیدن نیست؛ افکار همراه با توهم و تصور؛ و از دست دادن علایق روزمره. استفاده از این اصطلاح صرفاً در صورت وجود تشخیص قطعی، و نیز در صورت اقتضای بیان مطلب اصلی توصیه می‌شود. مناسب نیست از اصطلاحات روان‌پزشکی، در مواردی غیر از مورد وجود اختلال و مثلاً به عنوان توصیف یک عملکرد یا ماجرا استفاده شود. مثلاً مناسب نیست گفته شود: «کل ماجرا بیشتر شبیه توهمات یک ذهن شیزوفرنیک است».



### «اختلال هویت تجزیه‌ای»

از این اختلال در گذشته تحت عنوان «اختلال چندشخصیتی» یا «اختلال هویت چندگانه» یاد می‌شد. در این اختلال دو یا چند شخصیت یا هویت متفاوت در رفتار و عملکرد فرد بروز می‌کند. هریک از این شخصیت‌ها یا هویت‌ها، رفتار، شیوه گفتار، نگرش، هویت جنسی، و حتی خصوصیات فیزیکی متفاوتی از خود نشان می‌دهند. استفاده از این عنوان فقط در صورتی مجاز است که برای بیان اصل موضوع ضرورت داشته، و تشخیص قطعی صورت گرفته باشد.

### «دو/چندشخصیتی»

استفاده از این تعبیر توصیه نمی‌شود. در صورت لزوم و وجود تشخیص قطعی، به جای آن مناسب است از عبارت «اختلال هویت تجزیه‌ای» استفاده شود؛ به ویژه که «چندشخصیتی» بعضاً به قصد تحقیر و توهین در گفتار روزانه فارسی‌زبانان به کار می‌رود.

## گروه‌های دیگر افراد دارای معلولیت

### «افراد کوتاه‌قامت»

این گروه از افراد دارای معلولیت به دلیل تفاوت‌های جسمی با موانع و مشکلات بسیاری مواجه هستند. نکته شایان ذکر این است که برخی از این افراد در ایران مایل نیستند که در شمار افراد دارای معلولیت قرار گیرند. در این صورت، توصیه می‌شود به این انتخاب احترام گذاشته و از آنها تحت عنوان «کوتاه‌قامت» نام برده شود.

### «کوتوله» یا «آدم کوچولو»

از این واژه‌ها به دلیل رواج استفاده از آنها برای تحقیر، توهین یا تمسخر نمی‌توان در توصیف افراد کوتاه‌قامت استفاده کرد. به منظور مقابله با رویکردهای معلول‌ستیزانه، نسبت دادن صفت «کوتوله» به افراد یا پدیده‌ها با هدف تصویر ناچیز یا ناقص بودن آنها، مناسب نیست. مثلاً استفاده از عبارت «کوتوله‌های سیاسی» توصیه نمی‌شود.

### «دیس‌مورنیا» یا «قاعدگی دردناک»

اصطلاح پزشکی برای اشاره به مواردی است که زنان دردهای شدید و نیز علایمی همچون تهوع، خستگی مزمن و علایم گوارشی را در آغاز دوره ماهیانه خود تجربه می‌کنند. قاعدگی دردناک در برخی زنان تا چند روز به طول می‌انجامد و در برخی موارد، به دلیل نامناسب بودن محیط یا فقدان درک و آگاهی جامعه، ممکن است به بروز معلولیت منجر شود.

### «اندومتزیوسیس»

برخی انواع شدید قاعدگی دردناک در حقیقت ناشی از «اندومتزیوسیس» هستند. در این اختلال، قشایی مشابه قشاء دیواره رحم در خارج از آن رشد می‌کند و با بروز درد و خونریزی بسیار شدید و ناتوان‌کننده در دوران قاعدگی، خستگی،

اضطراب و افسردگی شدید و علایم گوارشی همراه است. در حال حاضر درمان پزشکی برای آن موجود نیست و صرفه داروهایی برای کنترل علایم در دسترس است. کسانی که تشخیص اندومتروسیس در آنها قطعی باشد، اغلب در طول ایام قاعدگی، قادر به انجام فعالیت‌های روزانه مانند کار یا تحصیل نیستند و ممکن است علایم اختلال در سلامت روان را نیز تجربه کنند.

#### «اعتیاد» و «فرد با سوء مصرف مواد مخدر یا الکل»

اعتیاد حاصل مجموعه‌ای از عوامل جسمی، روانی، و اجتماعی است و فرد دارای سوء مصرف مواد مخدر، همچنان باید از همه حقوق انسانی به صورت برابر با دیگر افراد جامعه برخوردار باشد.

#### «آلوده»، «پاک»، «معتاد»

در هنگام اشاره به وضعیت اعتیاد فرد، مناسب نیست از عباراتی نظیر «پاک» و «آلوده» استفاده شود چرا که متضمن تحقیر و ناپاک دانستن وجود یک انسان است. به جای آن می‌توان از کلماتی خنثی مانند «نتیجه آزمایش سو مصرف مواد مثبت یا منفی است» استفاده کرد. استفاده از کلماتی مانند «معتاد»، «بنگی» یا «عملی» توصیه نمی‌شود.

#### «داشتن صرع»

صرع یک اختلال مزمن عصبی است که با تشنج‌های مکرر و بدون محرک بروز می‌کند. بنابراین، تشنج عارضه ناشی از صرع است. مناسب است که در این مورد از عبارت «الف دارای صرع است» استفاده شود. اشاره به بروز تشنج، در صورتی مناسب است که مثلاً در جریان موضوع گزارش اتفاق بیفتد و بنابراین، اشاره به آن برای روایت موضوع لازم باشد.

#### «مصروع»

استفاده از این واژه توصیه نمی‌شود زیرا فرد را محصول و مفعول صرع معرفی می‌کند و کل هویت او را به داشتن اختلال صرع فرو می‌کاهد.

#### «حالت اغما یا کما»

یک وضعیت پزشکی است که در آن فرد فاقد قوه هوشیاری است و به محرک‌های محیطی پاسخ نمی‌دهد. ممکن است در برخی لحظات حرکت چشمی داشته یا حرکات غیرارادی انجام دهد.

#### «وضعیت نباتی»

استفاده از این واژه توصیه نمی‌شود زیرا حاوی انکار هویت انسانی فرد مورد نظر است. به جای آن می‌توان با یکی دو جمله، وضعیت سلامت فرد و مثلاً سطح بسیار پایین هوشیاری و عدم پاسخ‌گویی به محرک‌های محیطی را توضیح داد.

## انتخاب تعابیر و واژه‌های مناسب برای اشاره به خدمات مربوط به افراد دارای معلولیت

صفحه	واژه‌های نامناسب	صفحه	واژه‌های مناسب
۲۴	پرستار	۲۵	دستیار یا مراقب شخصی
		۲۴	سگ راهنما
		۲۵	مرکز نگهداری از افراد دارای معلولیت
۲۵	بیمارستان روانی یا تیمارستان	۲۵	بیمارستان روان‌پزشکی مرکز سلامت روان

### «دستیار یا مراقب شخصی»

به فردی گفته می‌شود که به انتخاب و با نظر خود فرد دارای معلولیت، به وی در انجام امور روزانه نظیر نظافت شخصی، تردد، برقراری ارتباط و اداره امور روزانه یا انجام وظایف شغلی کمک می‌کند. باید توجه داشت که میزان ساعات نیاز به مراقب یا دستیار شخصی و مواردی که این شخص به فرد دارای معلولیت کمک می‌کند، بسته به شرایط فرد و محیط و نوع فعالیت مورد نظر متفاوت است. در بسیاری موارد، دستیار یا مراقب شخصی از اعضای خانواده فرد دارای معلولیت است اما همیشه چنین نیست. بر اساس کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، دولت‌ها موظفند در صورت نیاز، هزینه برخورداری از دستیاران یا مراقبان شخصی را تأمین کنند و بودجه کافی به این امر اختصاص دهند.

### «پرستار»

رایج است که در زبان فارسی، به شخصی که وظیفه کمک و مراقبت از فرد دارای معلولیت را بر عهده دارد «پرستار» و به کمک‌هزینه مربوط به دستمزد این فرد «حق پرستاری» می‌گویند. این واژه، منعکس‌کننده نگاه پزشکی به معلولیت و تداعی‌گر این است که افراد دارای معلولیت «بیمار» هستند و به «پرستار» نیاز دارند، در حالی که این فرض به هیچ وجه درست نیست. دستیار شخصی ممکن است به یک فرد نابینا در تردد به محل‌های ناآشنا یا انجام خرید کمک کند و به یک فرد دارای معلولیت جسمی، در تعویض لباس یا نظافت شخصی. اما هیچکدام از این کارها و خدمات مراقبتی لزوماً در حیطه تخصصی پرستاری نیستند. توصیه می‌شود تا حد امکان روزنامه‌نگاران در جا انداختن تعبیر «دستیار شخصی» مشارکت کنند.

### «سگ راهنما»

به سگ‌هایی گفته می‌شود که برخی افراد نابینا برای تردد و جهت‌یابی و محافظت در برابر برخی خطرات همراه دارند.

### «مرکز نگهداری افراد دارای معلولیت»

این کلمه برای اشاره به مراکزی استفاده می‌شود که افراد دارای معلولیت که امکان زندگی مستقل در جامعه برای آنها فراهم نیست، به صورت شبانه‌روزی در آنجا اقامت دارند. ذکر این نکته لازم است که بر اساس نگاه حق‌محور منعکس در کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت، تمامی افراد دارای معلولیت حق دارند مانند دیگر افراد جامعه به صورت مستقل در جامعه زندگی کنند و نباید ناچار باشند تمام عمر در مراکز نگهداری مخصوص به سر برند. بدیهی است که تحقق این هدف نیازمند اختصاص امکانات و بودجه مناسب از سوی دولت از جمله برای دسترسی افراد دارای معلولیت به دستیار یا مراقب شخصی است.

### «بیمارستان روان‌پزشکی» یا «مرکز سلامت روان»

توصیه می‌شود با استفاده از این قبیل کلمات، به ارتقای فرهنگ مخاطب فارسی‌زبان در مورد اختلالات سلامت روان و افرادی که دارای این قبیل اختلالات هستند کمک شود؛ چرا که کلمات متداول در زبان عموم مردم، بار معنایی منفی به همراه دارد.

### «بیمارستان روانی» یا «تیمارستان»

به دلیل نگاه منفی به اختلالات سلامت روان، مردم اغلب از این کلمات برای تحقیر و توهین استفاده می‌کنند که به رویکردهای نادرست در مورد این قشر از جامعه دامن می‌زند.